

مفهوم‌سازی احترام میان والدین و فرزندان: بررسی زبان اجتماع در شاهنامه فردوسی

ملیحه انوشه^۱، زهرا ابوالحسنی چیمه^{۲*}، فواد مولودی^۳، فاطمه سیدابراهیمی نژاد^۴

۱. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲. دانشیار زبان‌شناسی، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی «سمت»، تهران، ایران

۳. استادیار زبان‌شناسی، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی «سمت»، تهران، ایران

۴. استادیار زبان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، سیرجان، ایران

پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۲۴

دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۱۷

Conceptualizing Respect between Parents and Children: A Study of Language in Society in Ferdowsi Shahnameh

Malihe Anooseh¹, Zahra Abolhassani chime^{2*}, Foad Moloudi³, Fateme Seyed Ebrahiminezhad⁴

1. Ph.D. Student in General Linguistics, Islamic Azad University, Tehran, Iran

2. Associate Professor of Linguistics, Research and Development of Humanities Institute (SAMT), Tehran, Iran

3. Assistant Professor of Linguistics, Research and Development of Humanities Institute (SAMT), Tehran, Iran

4. Assistant Professor of Linguistics, Islamic Azad University, Sirjan, Iran

Received: 2021/06/07

Accepted: 2021/10/16

10.30473/il.2022.59308.1462

Abstract

Shahnameh is the greatest literary work of ancient Iran and reflects the ancient culture of Iran, which in addition to having literary beauty and elegance, is a deep textbook in the social relations of individuals and human groups, in which understanding the concepts of value and culture in epics and mythology is taught. The purpose of this study is to conceptualize the cultural value of respect in parent-child and child-parent relationships in all stories, how they are conceptualized in each group, and what the symbols of these concepts are in the language. This research has dealt with the subject with the approach of cultural linguistics. This paper adopted cultural linguistics and follows its theoretical framework which includes three analytical tools named cultural schema, cultural category and cultural metaphor. Cultural pragmatic schema, as a sub-branch of cultural schemas, is the basis for studying the collected data and has studied them in a descriptive-analytical method. The findings show that the cultural and social value of respect is conceptualized as verbal actions such as "creating" or non-verbal actions such as "playing" and "kissing the ground" that concepts such as "playing" and "kissing the eyes" are conceptualized by parents, and "kissing the ground" and "lying on the ground" have been used by children in social relations, which shows humility and humbleness on the part of children and support on the part of parents.

Keywords: Pragmem, Pract, Pragmatic, Schema, Cultural Conceptualization, Cultural Linguistics, *Shahnameh* Ferdowsi, Sociolinguistics.

چکیده

شاهنامه بزرگ‌ترین اثر ادبی ایران باستان و بازتاب‌دهنده فرهنگ کهن ایرانیان است که علاوه بر داشتن زیبایی و ظرافت ادبی، در شاهنامه‌ای عمیق در روابط اجتماعی افراد و گروه‌های انسانی است و در آن درک مفاهیم ارزشی و فرهنگی در ضمن حماسه‌ها و اساطیر آموزش داده می‌شود. هدف این تحقیق بررسی مفهوم‌سازی ارزش فرهنگی احترام در روابط والدین - فرزندان و فرزندان - والدین در همه داستان‌ها است که در هر گروه به چه صورت مفهوم‌سازی شده‌اند و نمادهای این مفاهیم در زبان چه هستند. این پژوهش با رویکرد زبان‌شناسی فرهنگی به موضوع پرداخته است. چارچوب نظری رویکرد شامل طرح‌واره‌ها، مقوله‌ها و استعاره‌های فرهنگی است که ابزار تحلیل کاربرد زبان‌شناسی فرهنگی هستند. طرح‌واره کاربردشناسی فرهنگی، به عنوان زیرشاخه‌ای از طرح‌واره‌های فرهنگی، مبنای مطالعه داده‌های جمع‌آوری شده قرار گرفته و به روش توصیفی - تحلیلی به بررسی آنها پرداخته است. مطالعه نشان می‌دهد ارزش فرهنگی و اجتماعی احترام به صورت کنش کلامی مانند «آفرین کردن» یا کنش غیرکلامی مانند «نواختن» و «خاک بوسیدن» مفهوم‌سازی شده است که مفاهیمی مانند «نواختن» و «چشم بوسیدن» از جانب والدین و «خاک بوسیدن» و «بر زمین سر نهادن» از جانب فرزندان در روابط اجتماعی به کار می‌رفته است که از تواضع و فروتنی از سمت فرزندان و حمایت از سمت والدین نشان دارد.

کلیدواژه‌ها: تک‌مفهوم، تک‌کنش، طرح‌واره کاربردی، مفهوم‌سازی فرهنگی، زبان‌شناسی فرهنگی، شاهنامه فردوسی، زبان‌شناسی اجتماعی.

*Corresponding Author: Zahra Abolhassani chime

Email: Abolhassani@samt.ac.ir

* نویسنده مسئول: زهرا ابوالحسنی چیمه

مقدمه و طرح مسئله

زبان نهادی اجتماعی است که در زندگی بشر جایگاهی ویژه دارد. زبان تنها یک کد یا نشانه برای ایجاد ارتباط نیست بلکه اصلی‌ترین و فراگیرترین شکل تعامل میان افراد است. زبان مادری نقشی اساسی در همه جزئیات زندگی فرد در جامعه دارد. زبان به عنوان وسیله برتر در تعاملات اجتماعی، زمینه شکل‌گیری فرهنگ‌های متفاوت را فراهم می‌کند.

زبان و فرهنگ دو موضوع کاملاً مرتبط‌اند که بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند. شاولز^۱ (۲۰۱۹: ۹) بر این باور است که ارتباط زبان و فرهنگ واضح و مبرهن است. این دو مانند دو روی یک سکه هستند که زبان نشان‌دهنده اندیشه، ارزش‌ها و جهان‌بینی سخنوران خود است. به گفته کروبر^۲، مردم‌شناس فرهنگی آمریکایی، زبان و فرهنگ با یکدیگر گسترش می‌یابند و بر هم اثرگذارند؛ فرهنگ از زمانی آغاز شد که زبان در دسترس بشر قرار گرفت و از همان ابتدا پیشرفت هریک به بهتر شدن دیگری منجر شده است. اگر فرهنگ نتیجه تعاملات بشری باشد، فعالیت‌های ارتباطی نمود فرهنگی آن تعامل‌ها در جامعه‌ای خاص است. ریزاگر^۳ (۲۰۰۶) (نقل از محمدی، ۱۳۸۹: ۸۵) زبان را فرهنگ و فرهنگ را زبان می‌داند و بر جدایی‌ناپذیر بودن این دو تأکید می‌کند و هر یک را نماد دیگری می‌داند. به نظر افخمی (۱۳۸۷) برای درک هر فرهنگی باید زبان آن فرا گرفته شود و اساس تسلط بر هر زبانی یادگیری فرهنگ آن زبان است.

نظریات گوناگون نشان‌دهنده آن است که وجود رابطه متقابل زبان و فرهنگ از جمله موضوعات مورد توجه پژوهشگران مختلف از دیرباز بوده است. شروع مطالعه این ارتباط به قرن هجدهم برمی‌گردد و محققانی چون ویلیم ون‌همبلت^۴ (۱۷۶۷ - ۱۸۳۵)، فرانس بوآس^۵ (۱۸۹۷-۱۹۴۲)، ادوارد ساپیر^۶ (۱۸۸۴ - ۱۹۳۹) و بنیامین ورف^۷ (۱۸۹۷-۱۹۴۱) به ارتباط میان زبان، اندیشه و فرهنگ تأکید و توجه داشتند هرچند که زیرشاخه واحد و مستقلاً در این زمینه به طور گسترده شکل نگرفت. بدون شک، نبود تعریف مناسب از واژه‌های «زبان» و «فرهنگ» دلیل اصلی شکل نگرفتن پیشرفت چشمگیر در این مطالعات به صورت زیرشاخه

مستقل است (شریفیان، ۲۰۱۷ب: ۱).

زبان‌شناسی فرهنگی^۸ زیرشاخه‌ای از زبان‌شناسی شناختی^۹ است که منشأ چندرشته‌ای دارد و به ارتباط میان زبان و فرهنگ می‌پردازد (شریفیان، ۲۰۱۷ب: ۲). اصطلاح زبان‌شناسی فرهنگی را برای اولین بار یکی از پیشگامان زبان‌شناسی شناختی به نام رونالد لنگاکر^{۱۰} برای مطالعه ارتباط میان دانش فرهنگی و دستور زبان مطرح کرد. به نظر وی، گسترش زبان‌شناسی شناختی می‌تواند بازگشتی به زبان‌شناسی فرهنگی باشد (شریفیان، ۲۰۱۷ب: ۳۴). زبان‌شناسی فرهنگی به عنوان گرایشی جدید به بررسی جنبه‌هایی از زبان که در شناخت زبان مؤثرند با نگاهی نوین می‌پردازد (شریفیان، ۲۰۱۱) و به بیان دیگر، مفهوم‌سازی‌های فرهنگی را که در ارتباط با تجربه‌های زندگی بشرند مطالعه می‌کند (شریفیان، ۲۰۱۷ب: ۲)

آثار مکتوب و ادبیات هر جامعه بستری مناسب برای انتقال میراث فرهنگی به نسل‌های دیگر است. شاهنامه فردوسی به عنوان بزرگ‌ترین سند هویت ایرانیان، سبب پایداری و بقای زبان فارسی بوده، نقشی چشمگیر در جهت‌گیری فرهنگ فارسی داشته و دارد. این اثر دربردارنده مفاهیم انسانی، اجتماعی و فرهنگی بسیاری است که چشم‌انداز آموزشی و تربیتی ویژه‌ای دارند. از این رو این تحقیق با استناد به نظریه زبان‌شناسی فرهنگی، با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی نموده‌های زبانی مفهوم احترام میان والدین و فرزندان در اشعار شاهنامه می‌پردازد تا پاسخی مناسب برای سؤال‌های پژوهش بیابد: نموده‌های زبانی مفهوم احترام کدامند؟ و ارزش فرهنگی احترام از سوی والدین و فرزندان به چه صورت‌هایی مفهوم‌سازی شده است؟ برای مثال، در داستان شاه‌لهراسپ و فرزندش گشتاسپ، در موقعیت اجتماعی مهمانی، گشتاسپ ابتدا به احترام پدر بلند می‌شود و سپس صحبت می‌کند که مفهوم‌سازی احترام با «بر پای خاست» نشان داده شده است.

چارچوب نظری

زبان‌شناسی فرهنگی بر پایه علمی چون روان‌شناسی شناختی^{۱۱}، مردم‌شناسی^{۱۲} و کاربردشناسی^{۱۳} استوار است. این

8. cultural linguistics
9. Cognitive linguistics
10. Ronald Langacker
11. cognitive psychology
12. anthropology
13. pragmatics

1. Joseph Shavles
2. Alfred L. Krober
3. Risager
4. Wilhelm von Humboldt
5. Frans Boas
6. Edward Sapir
7. Benjamin Whorf

جمله مواردی است که در طرح‌واره‌های فرهنگی مطرح می‌شوند. آن‌ها در واقع به نیت گوینده هنگام صحبت و اثر آن بر شنونده در روابط میان‌فردی اشاره می‌کنند. دانش لازم برای کاربرد و درک این رویدادها ساختاری فرهنگی دارد و میان سخنگویان به صورت مشترک دیده می‌شود. از این رو می‌توان گفت طرح‌واره‌های فرهنگی همچنان در بردارنده معنای کاربردشناسی هستند. بر اساس دیدگاه زبان‌شناسی فرهنگی، داشتن درک مناسب از شخص مقابل به داشتن طرح‌واره‌های فرهنگی مشترک منوط است؛ به گونه‌ای که می‌توان گفت پیش‌نیاز گفت‌وگوی موفق آشنایی گوینده و شنونده با این طرح‌واره‌هاست که برای درک کاربرد رویدادهای گفتاری ضروری است. به طور خلاصه می‌توان گفت طرح‌واره‌های فرهنگی منبعی غنی از دانشی است که زمینه‌ساز معنی دایرةالمعارفی، معنی کاربردشناسی در زبان‌های بشری و نیز اساس دانش مشترک جامعه سخنگویان است (شریفیان، ۲۰۱۷ب: ۱۴).

طرح‌واره کاربردشناسی فرهنگی

طرح‌واره فرهنگی به عنوان یکی از ابزارهای تحلیلی زبان‌شناسی فرهنگی با استفاده از کارگفت‌ها در درک معنای کاربردشناسی مؤثر است. معنای کاربردشناسی همان دانش فرهنگی مشترک میان افراد جامعه است که در این طرح‌واره‌ها بسیار استفاده می‌شوند. آشنایی با این طرح‌واره‌ها برای درک نقش کارگفت‌ها و به دنبال آن، داشتن ارتباط موفق برای گوینده و شنونده ضروری است (شریفیان، ۲۰۱۷ب).

طرح‌واره‌های فرهنگی چارچوبی را برای بررسی ابزارهای کاربردی مانند کارگفت/ رویداد گفتاری، تک‌مفهوم‌ها^۶ و تک‌کنش‌ها^۷ ارائه می‌دهند. می^۸ (۲۰۱۰) تک‌مفهوم را نمونه موقعیتی کلی از کنشی در نظر می‌گیرد که در موقعیتی خاص یا در مجموعه‌ای از موقعیت‌ها می‌تواند به کار گرفته شود. کاپن^۹ (۲۰۱۰) تک‌مفهوم را تمام جنبه‌های ممکن و غیرممکن معنا می‌داند که می‌تواند از راه بافت، نوع کلام و نوع بیان آن درک کرد (کسکس، ۲۰۱۰). از طرف دیگر، تک‌کنش به تحقق و نمود خاص تک‌مفهوم اشاره می‌کند. برای مثال، «احوال‌پرسی با کارمند جدید» تک‌مفهوم و

گرایش نوظهور امروزه بر وجود رابطه میان زبان و مفهوم‌سازی فرهنگی^۱ تأکید می‌کند و دو چارچوب نظری و تحلیلی برای مفهوم‌سازی فرهنگی ارائه می‌دهد که شامل کاربرد زبان بشری است. چارچوب نظری شامل طرح‌واره‌های فرهنگی^۲، مقوله‌های فرهنگی^۳ و استعاره‌های فرهنگی^۴ است که در واقع نمونه‌هایی خاص از مفهوم‌سازی فرهنگی‌اند که در این قسمت جداگانه توضیح داده خواهد شد. چارچوب تحلیلی کاربرد مؤلفه‌های چارچوب نظری به عنوان ابزار تحلیل برای کاربرد زبان‌شناسی فرهنگی است (شریفیان، ۲۰۱۷ب: ۷). چگونگی نمود ویژگی‌های زبان‌های بشری و تنوع زبان‌ها در مفهوم‌سازی‌های فرهنگی مانند طرح‌واره‌های فرهنگی، مقوله‌بندی‌های فرهنگی و استعاره‌های مفهومی - فرهنگی نشان داده می‌شوند (شریفیان ۲۰۱۵: ۵۱۷). این مفهوم‌سازی‌های فرهنگی شامل تمام تجربه‌های بشر است. شریفیان (۲۰۰۳) نظریه‌ی بازنمود توزیعی را برای نشان دادن مدل مفهوم‌سازی فرهنگی به کار می‌برد و با مثال‌هایی از مفهوم‌سازی، به تحلیل آنها در بافت‌های متفاوت می‌پردازد و چارچوبی کلی برای بازنمود مفهوم‌سازی فرهنگی بر اساس روش مردم‌شناسی در تحلیل گفتار مطرح می‌کند. شناخت مفهوم‌سازی‌های فرهنگی و تحقق آن‌ها در زبان بر پایه چارچوب نظری زبان‌شناسی فرهنگی است. گسترش مفهوم‌سازی‌های فرهنگی بر پایه تعاملات زبان‌شناسی است و از طرف دیگر مفهوم‌سازی‌های فرهنگی در بسیاری از جنبه‌های ساختار زبان و نیز کاربرد زبان به کار می‌روند. از این رو می‌توان گفت زبان نقشی دوسویه در مفهوم‌سازی فرهنگی و درک آن دارد (شریفیان، ۲۰۱۷ب: ۷).

طرح‌واره فرهنگی

طرح‌واره‌های فرهنگی علاوه بر اینکه عقاید، هنجارها، قواعد و رفتارهای مورد انتظار را شامل می‌شوند، در بردارنده ارزش‌های مرتبط با جنبه‌های متفاوت تجربیات نیز هستند. معنای لغت‌نامه‌ای این طرح‌واره‌ها با زیرساخت فرهنگی، در بسیاری از جنبه‌های زبان ذکر می‌شوند و در بسیاری از عبارات‌های واژگانی زبان‌های بشری به کار می‌روند (همان: ۱۴).

بنا بر تعریف کریستال^۵ (۱۹۹۱)، رویدادهای گفتاری از

6. pragmemes
7. practs
8. Mey
9. Capone

1. cultural conceptualisation
2. cultural schemas
3. cultural categories
4. cultural-conceptual metaphors
5. David Crystal

طبقه‌بندی اشیاء و رویدادها می‌پردازند (مارشال، پوول و ولاین، ۲۰۰۳؛ نقل از شریفیان، ۱۳۷۲: ۲۰۱۴). آنها معمولاً بر اساس شناخت خود طبقه‌بندی را انجام می‌دهند، اما با گذر زمان و دریافت شناخت بیشتر، طبقه‌بندی اشیاء، رویدادها و تجربه‌ها بر اساس زبان و محیط فرهنگی‌ای است که در آن زندگی می‌کنند (شریفیان، ۱۳۷۲: ۲۰۱۵).

مقوله‌بندی اساساً امری فرهنگی است. به گفته گلاشکو^۳، مگلیو^۴، متلاک^۵ و باراسلو^۶ (۲۰۰۸)، نقل از شریفیان، ۱۳۷۲: ۲۰۱۵، مطالعات مقوله‌بندی با هدف یادگیری و درک مقوله‌های مشترک میان فرهنگ و زبان آن فرهنگ، که مقوله‌بندی فرهنگی نامیده می‌شوند، انجام می‌شوند.

عبارت‌های واژگانی زبان‌های بشری اغلب به عنوان برجسب برای نشان دادن مقوله‌ها و نمونه‌های آن به کار می‌روند و این‌گونه رابطه مقوله‌های فرهنگی و زبان مشخص می‌شود. مقوله‌ها معمولاً دارای شبکه و سلسله‌مراتب هستند و هر یک از نمونه‌ها می‌تواند مقوله‌ای با زیرمجموعه خود در نظر گرفته شود که آنها نیز ساختاری فرهنگی دارند (شریفیان، ۱۳۷۲: ۲۰۱۵).

استعاره فرهنگی

نظریه استعاره مفهومی زیرشاخه‌ای از زبان‌شناسی شناختی است که به مطالعه استعاره‌های مفهومی می‌پردازد. استعاره‌های مفهومی با ساختار شناختی به درک مفاهیم از راه مفهوم‌سازی در قلمرو معنایی دیگر کمک می‌کنند. پژوهش‌های زبان‌شناسی فرهنگی بررسی استعاره‌های مفهومی‌ای را شامل می‌شود که ساختار فرهنگی دارند (استعاره‌های فرهنگی) (شریفیان، ۱۳۷۲: ۲۰۱۴).

با توجه به ارتباط استعاره‌های مفهومی فرهنگی و زبان، می‌توان گفت بسیاری از جنبه‌های زبان‌های بشری رابطه‌ای تنگاتنگ با استعاره‌های فرهنگی دارند (شریفیان، ۱۳۷۲: ۲۰۱۴). استعاره‌های فرهنگی، برخلاف طرح‌واره‌ها و مقوله‌بندی‌های فرهنگی، نوعی نگاشت میان حوزه‌های متفاوت مبدأ و هدف هستند. به بیان علمی، استعاره‌های فرهنگی (و مفهومی) مفهوم‌سازی میان حوزه‌های هستند و نقشی مهم در درک بهتر واژگان یا اصطلاحات دارند. در

جملاتی چون «از کار کردن با شما خوشحالم» و «خوش آمدید» تک‌کنش‌های آن تک‌مفهوم هستند. در این چارچوب طبقه‌ای خاص از طرح‌واره فرهنگی به نام طرح‌واره کاربردشناسی فرهنگی مدنظر است که پایه‌ای برای ایجاد ارتباط بر اساس معنای کاربردی است. این چارچوب همچنین ارتباط سلسله‌مراتبی میان کارگفت‌ها/ رویدادهای گفتاری، تک‌مفهوم و تک‌کنش را نشان می‌دهد. بدین‌گونه، تک‌کنشی خاص نشان‌دهنده یک تک‌مفهوم است که آن نیز خود کارگفتی مشخص را در ارتباط با طرح‌واره فرهنگی زیرین مطرح می‌کند (شریفیان، ۱۳۷۲: ۲۰۱۵).

به طرح‌واره فرهنگی که زمینه‌ای را برای معنای کاربردی (مانند معنای کارگفت‌ها) فراهم می‌کند طرح‌واره کاربردشناسی^۱ گویند. زبان‌شناسی فرهنگی طرح‌واره کاربردشناسی را به عنوان منبعی ممکن برای استفاده از دانش مشترک سخنگویان در تعاملات مطرح می‌کند. شریفیان مجموعه‌ای کاربردشناسی^۲ معرفی کرده است که بر اساس آن، طرح‌واره کاربردشناسی می‌تواند مبنای تعدادی تک‌مفهوم مرتبط با کارگفت‌های خاص باشد و هر یک از تک‌مفهوم‌ها ممکن است به صورت‌های گوناگون زبانی نشان داده شوند که این نموده‌های زبانی تک‌کنش هستند. یک طرح‌واره کاربردشناسی واحد می‌تواند چند کارگفت را در بر بگیرد و کارگفت‌ها نیز می‌توانند با تعدادی تک‌مفهوم مربوط به آن بافت خاص در ارتباط باشند. از این‌رو گویشوران برای داشتن ارتباطی خوب و موفق تک‌مفهوم مناسب هر بافت را انتخاب و در نتیجه، گفتار و تک‌کنشی تولید و بیان می‌کنند. به طور خلاصه، طرح‌واره فرهنگی به اطلاعات و دانشی فراوان نیاز دارد تا هم معنای کاربردشناسی را بتوان درک کرد و هم زمینه‌ای باشد برای دانش مشترک سخنگویان جامعه گفتاری (شریفیان، ۱۳۷۲: ۲۰۱۵). طرح‌واره فرهنگی جزئی از شناخت فرهنگی است و در نتیجه ارتباط اعضای گروهی فرهنگی شکل می‌گیرد (شریفیان، ۲۰۱۱).

مقوله‌بندی فرهنگی

از دیگر روش‌های مفهوم‌سازی مقوله‌بندی است که به عنوان یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های شناختی انسان از سال‌های آغازین زندگی به صورت فردی شکل می‌گیرد. بسیاری از تحقیقات نشان داده‌اند که کودکان در سنین پایین به

3. Glushko
4. Maglio
5. Matlock
6. Baraslou

1. pragmatic schema
2. pragmatic set

سبزواری و شفیع (۲۰۱۳) در مقاله «مفهوم‌سازی فرهنگی زبان فارسی: پیامدهای آن در یادگیری زبان دوم» به توصیف طرح‌واره‌های فرهنگی مرام، معرفت و غیرت در مفهوم‌سازی فرهنگی فارسی می‌پردازند. این نمونه‌ها در فرهنگ و زبان فارسی رایج‌اند و در مکالمات عامیانه نیز ممکن است به کار روند. با توجه به این پژوهش، تفاوت مفهوم‌سازی طرح‌واره‌های فرهنگی در فرهنگ‌های مختلف بیانگر اهمیت مفهوم‌سازی فرهنگی در تعاملات بین‌فرهنگی است.

شریفیان (۲۰۱۵) در مقاله «زبان‌شناسی فرهنگی و زبان‌های انگلیسی موجود در دنیا» با مثال‌هایی متفاوت از انگلیسی با دیدگاه زبان‌شناسی فرهنگی به تحلیل زبان انگلیسی می‌پردازد تا بتوان از چگونگی کاربرد زبان انگلیسی در جامعه‌های گفتاری سرتاسر دنیا، که نشان‌دهنده مفهوم‌سازی فرهنگی آنها و نیز دربردارنده دیدگاه آنها به دنیا است، درک بهتری داشت.

در مقاله «تغییرات معنایی و مفهوم‌سازی‌های فرهنگی نام‌اندام دست در جزء اول اسامی مرکب زبان فارسی در قالب زبان‌شناسی شناختی - فرهنگی» مهرابی و ذاکر (۱۳۹۵) به چگونگی شیوه تغییر و نیز افزایش معنی نام‌اندام «دست» در واژگان مرکب زبان فارسی و نیز بررسی تفاوت‌های سه زبان فارسی، انگلیسی و چینی با توجه به این واژه پرداخته‌اند. این واژگان در فارسی دربردارنده مفاهیم مختلفی چون تقابل، نگهداری، مالکیت، تصرف و ... هستند. همچنین قرابت فرهنگی و حافظه مشترک بشری را می‌توان دلیل شباهت این سه زبان دانست و تفاوت‌ها را ناشی از تفاوت در شیوه بازتولید تجربه بدنی که نتیجه تفاوت فرهنگی است.

باگاشوا (۲۰۱۷) مفهوم‌سازی‌های فرهنگی مفاهیم دهان، لب‌ها، زبان و دندان‌ها را در انگلیسی و بلغاری بررسی و شباهت‌ها و تفاوت‌های این دو زبان را در این رابطه عنوان کرده است.

پرادانویک استانکیک (۲۰۱۷) مفهوم‌سازی فرهنگی شوخی‌های کلامی در مکالمه‌های فیلم‌ها و سریال‌های تلویزیونی به زبان انگلیسی و صربی را مطالعه کرده است. به نظر وی، زبان‌شناسی فرهنگی، به‌ویژه مفهوم‌سازی فرهنگی، ابزاری قدرتمند برای تحلیل متون خنده‌دار است.

خیرآبادی و همکاران (۲۰۱۹) مقاله‌ای با عنوان «مفهوم‌سازی‌های فرهنگی در داستان‌های کودکان به زبان فارسی» با رویکرد شناختی ارائه کرده‌اند که در چارچوب زبان‌شناسی فرهنگی به مطالعه شناخت فرهنگی داستان‌های

زبان‌شناسی فرهنگی، استعاره‌های فرهنگی مفهوم‌سازی‌های فرهنگی‌ای هستند که در آداب و سنن فرهنگی ریشه دارند (شریفیان، ۲۰۱۷b: ۱۸).

به طور خلاصه، زبان‌شناسی فرهنگی با بررسی زبان‌های بشری و جنبه‌های گوناگون زبان در پی یافتن مواردی است که نمود مفهوم‌سازی‌های فرهنگی مانند طرح‌واره، مقوله‌بندی و استعاره فرهنگی باشند تا آنها را در چارچوب نظری دیدگاه شناخت فرهنگی بتوان بررسی کرد.

پیشینه تحقیق

زبان‌شناسی فرهنگی و مفهوم‌سازی فرهنگی گرایشی نوظهور است که می‌تواند زمینه بررسی‌های زیادی در مورد ارتباط زبان و فرهنگ و تأثیر این دو بر یکدیگر باشد. گرچه پژوهش‌هایی درباره مفهوم‌سازی فرهنگی با استناد به چارچوب نظری مورد نظر در ایران انجام شده است، در این باره مطالعه‌ای درباره شاهنامه فردوسی مشاهده نشده است.

شریفیان (۲۰۱۰) در مقاله «مفهوم‌سازی فرهنگی در تعاملات بین‌فرهنگی: مطالعه موردی استرالیایی‌های بومی و غیربومی» به بررسی سوءتفاهم‌های ایجادشده می‌پردازد و بر تأثیر زیاد مفهوم‌سازی فرهنگی در تعاملات بین‌فرهنگی تأکید می‌کند.

شریفیان (۲۰۱۲) در مقاله‌ای با عنوان «نظریه زبان‌شناسی و مفهوم‌سازی‌های فرهنگی» موضوع نقش فرهنگ در نظریه‌های زبان‌شناسی را با مثال‌هایی با ویژگی‌های نحوی و گفتمانی متفاوت از زبان‌های گوناگون بررسی می‌کند. این نمونه‌ها نمایانگر طرح‌واره و مقوله‌بندی‌های نظام‌های هستی‌شناسی و فرهنگی هستند. ویژگی‌های نحوی چون رده‌بندی اسم‌ها، ضمیرها، عناوین و القاب، حروف اشاره و ... می‌توانند نشان‌دهنده مفهوم‌سازی‌های فرهنگی تجربی باشند. بر اساس این پژوهش، تئوری‌های زبان باید از مفهوم‌سازی فرهنگی به عنوان ابزاری برای بررسی بسیاری از جنبه‌های ساختار زبان استفاده کنند. وی (۲۰۱۳) در پژوهشی با نام «مفهوم‌سازی فرهنگی در یادگیری زبان انگلیسی به عنوان زبان دوم: مثال‌هایی از زبان‌آموزان فارسی‌زبان» تعدادی از مفهوم‌سازی‌های فرهنگی گویشوران فارسی را که در یادگیری زبان انگلیسی به عنوان زبان دوم به کار می‌گیرند توصیف کرده، بعضی پیامدهای احتمالی آنها را در داشتن درک بهتر بین‌فرهنگی توضیح می‌دهد.

کنار هم نقشی مهم در انتقال معنا، مفاهیم و نیز احساسات شخصیت‌ها ایفا می‌کنند. در این پژوهش، همه ابیات شاهنامه (حدود شصت هزار بیت) یک به یک مطالعه و در تقسیم‌بندی‌های مختلف به لحاظ موقعیت اجتماعی، که در حالت کلی آداب و رسوم گفته می‌شود، به ده گروه متفاوت دسته‌بندی شد. سپس مفاهیم مربوط به احترام از آنها گرفته شد و با توجه به مفهوم احترام، مابه‌ازای آن در متن استخراج شد که در جدول نشان داده شده است. در ادامه، موقعیت‌های مختلف به عنوان بافت‌های موقعیتی بررسی شده که در همه آنها «احترام گذاشتن» طرح‌واره کاربردی است و مفهوم‌سازی آن در موقعیت‌های گوناگون به نمایش گذاشته شده است.

سوگوارای کردن^۱

عزاداری مراسمی است با ریشه‌های کهن که در همه فرهنگ‌ها دیده می‌شود. این مراسم در جوامع متفاوت با توجه به زمان، مکان و فرهنگ هر جامعه نمودهای خاصی دارد و برای ادای احترام به فرد متوفی، خانواده و نزدیکان وی به صورت پوشش سوگ، برپایی مراسم سوگوارای، در خانه نشستن و مواردی دیگر نشان داده می‌شود. موارد زیر در شاهنامه دربردارنده حالات سوگوارای است که برای ادای احترام به کار رفته‌اند و تنها پنج مورد مربوط به احترام میان والدین و فرزندان است:

۱. موی کندن
۲. خاک ریختن
۳. بر تخت شاهی نشستن
۴. کلاه / تاج بر سر نگذاشتن
۵. فرود آمدن از تخت
۶. بر سر زدن
۷. چهل روز عزاداری
۸. دعا کردن
۹. درود فرستادن
۱۰. کفن کردن

(۱) فرود آمدن از تخت و بله‌کنان
* زنان بر سر و گوشت شاهان کنان

کودکانه نوشته شده به زبان فارسی پرداخته است. طرح‌واره‌های فرهنگی زیربنایی به کاررفته در داستان‌های منتخب به عنوان بخشی از شناخت فرهنگی جامعه فارسی‌زبانان بررسی شده‌اند و با در نظر گرفتن ارتباط شخصیت‌های داستان بر مبنای زبان‌شناسی فرهنگی، تعدادی طرح‌واره خرد با مضامین اجتماعی متفاوت درون طرح‌واره‌های کلان درونه‌گیری شده‌اند و می‌توانند بر کنش‌های کلامی و غیر کلامی شخصیت‌ها تأثیرگذار باشند. صادقی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی با نام «تحلیل طرح‌واره‌های حجمی در نمود آب و آتش در اشعار مولانا بر پایه زبان‌شناسی شناختی - فرهنگی» به بررسی رابطه زبان و مفهوم‌سازی‌های فرهنگی در اشعار مولانا پرداخته‌اند. دستیابی به شناخت از راه کاربرد طرح‌واره‌های حجمی دل، سر و چشم هدف این پژوهش بوده است تا با بررسی کارکرد طرح‌واره‌ها شناختی دقیق‌تر از شخصیت فردی و اجتماعی این شاعر به دست آید. بر این اساس، در ادبیات فارسی دل مظهر درک شهودی و چشم نماینده حواس ظاهری بوده، پرکاربردترین ابزار برای درک واقعیت محسوب می‌شوند. بسامد مظلوف دل در اشعار مولانا در مقایسه با مظلوف چشم به نوعی شخصیت شهودی او را مطرح می‌کند. سر اگرچه در زبان فارسی ظرف مفاهیم مرتبط با اندیشه است، در اشعار مولانا ظرف واژگان مرتبط با عشق است. عشق به عنوان مظلوف سر با واژگانی متفاوت بیان شده است که تحلیل آنها عشق پرشور و تا حدودی عشق رفاقتی را در نگاه احساسی مولانا نشان می‌دهد.

با توجه به پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه‌های عنوان‌شده و نبود مطالعه درباره مفهوم‌سازی فرهنگی در شاهنامه فردوسی، این تحقیق با رویکردی نوین به بررسی اجتماعی مفاهیم فرهنگی در شاهنامه فردوسی می‌پردازد.

بررسی و تحلیل داده‌ها

شاهنامه به منزله یک فرهنگ‌نامه روایتگر فرهنگ و اندیشه کهن ایرانی و دربردارنده نکات ارزشمند آموزشی، اجتماعی، تربیتی و سیاسی است. ارزش احترام در شاهنامه به گونه‌های متفاوت مطرح شده است. فردوسی از واژه «احترام» استفاده نمی‌کند بلکه با عبارت‌ها و واژگان دیگر آن را مفهوم‌سازی می‌کند. این مفهوم‌سازی‌ها ممکن است تنها از راه بیان باشد (کنش کلامی) یا با حرکات نشان داده شود (کنش غیر کلامی). کنش‌های کلامی و غیر کلامی در

۱. برای مطالعه نمونه‌های بیشتر به جدول‌های مربوطه در انتهای مقاله مراجعه شود.

جدول ۲-۱. هدیه دادن

احترام			طرح‌وارهٔ کاربردی
هدیه دادن			رویداد گفتاری
روابط خانوادگی	تک‌کنش	تک‌مفهوم	شماره
مادر / فرزند	فرستاد	ارسال کردن	۱
فرزند / مادر	آفرین	ستایش کردن	۲
فرزند / سرپرست	بدادند	دادن	۳

۶) چون آن خواسته دید شاه زمین

بپذیرفت و بر مام کرد آفرین

۷) برفتند یک لب پر از آفرین

ز دادار بر شهریار زمین

جدول ۲-۲. هدیه گرفتن

احترام			طرح‌وارهٔ کاربردی
هدیه گرفتن			رویداد گفتاری
روابط خانوادگی	تک‌کنش	تک‌مفهوم	شماره
فرزند / مادر	بپذیرفت	قبول کردن	۱
فرزند / مادر	کرد آفرین	ستایش و تشکر کردن	۲
سرپرست / فرزند	یک لب پر از آفرین		

پیشباز رفتن

به گفتهٔ سیدصادقی و موسوی (۱۳۹۱) استقبال کردن و پذیره شدن از آداب احترام و گرمی‌داشت مهمان است که سران و بزرگان کشور انجام می‌دادند و باشکوه‌ترین حالت آن استقبال از پادشاه سرزمین دیگر است. در شاهنامه مفهوم‌سازی احترام در موقعیت استقبال به صورت زیر نشان داده شده است که تعدادی از آنها در رابطهٔ فرزند و والدین است:

۱. آذین بستن شهر
۲. از قبل به پیشباز رفتن
۳. زدن بوق و کوس
۴. سوار بر اسب اصیل پر از سیم و زر بودن
۵. همراه با سپاه / بزرگان به استقبال رفتن
۶. پیاده به استقبال رفتن
۷. مسافت زیادی را برای پیشباز رفتن
۸. فروریختن گنج و درم
۹. برآمیختن می و مشک و گوهر
۱۰. بخشش به نیازمندان

۲) چو بهرام در سوگ بهرام‌شاه

چهل روز نهاد بر سر کلاه

۳) چون اندر جهان این سخن گشت فاش

فرود آمد از تخت زرین بلاش

جدول ۱. سوگواری

احترام			طرح‌وارهٔ کاربردی
خاک‌سپاری، سوگواری			رویداد گفتاری
روابط خانوادگی	تک‌کنش	تک‌مفهوم	شماره
پدر / فرزند	تخت	پایین آمدن از تخت	۱
فرزند / پدر	فرود آمد از تخت زرین	تخت	
فرزند / پدر	چهل روز نهاد بر سر کلاه	تاج بر سر نگذاشتن	۲

* بر سر زدن و گوشت‌کنان هم نشان عزاداری است که چون میان والدین و فرزند نیست و از طرف افراد دیگر است، در نظر گرفته نمی‌شود.

هدیه دادن و گرفتن

از دیگر رسوم ایران باستان، هدیه دادن و هدیه گرفتن، در فرهنگ ایرانی از اهمیتی بالا برخوردار است. در شاهنامه نیز موارد بسیاری به دلایل متفاوت سیاسی، حماسی، خانوادگی و ... در موقعیت‌های گوناگون دیده می‌شود. هدیه دادن نشانهٔ ابراز محبت و ادای احترام به فرد مقابل است؛ از این رو نقشی مهم در شکل‌گیری و دوام روابط و تعاملات اجتماعی دارد.

علاوه بر اینکه هدیه گرفتن در فرد گیرنده حس خوب و شور و شغف ایجاد می‌کند، پذیرفتن آن نیز نشانهٔ احترام و داشتن محبت متقابل به هدیه‌دهنده است. از این رو تشکر و قدردانی از فرد هدیه‌دهنده ضروری است.

۱. ارسال هدیه

۲. ستایش کردن

۳. هدیه دادن

۴. قبول کردن هدیه

۴) فرستاد نزدیک فرزند چیز

زوانی پر از آفرین داشت نیز

۵) بفرمود دارا که ده بدره زر

بیازند و پرمایه جامی گهر

ز هر جامه‌ای تخته فرمود پنج

بدادند او را کز او برد رنج

جدول ۴. فرستاده

احترام		طرح‌واره کاربردی	
دیدار با فرستاده		رویداد گفتاری	
روابط خانوادگی	تک‌کنش	تک‌مفهوم	شماره
فرزند / پدر	ده درود	سلام فرستادن	۱
پدر / فرزند			
پدر		احوال‌پرسی کردن	۲

۱۱. دست گرفتن

۱۲. نوازش کردن

۱۳. ستایش کردن

۱۴. در آغوش گرفتن

۱۵. ارج نهادن

۸) برفت و بیامد به دروازه پیش

چنان‌چون سزا بد بدآیین خویش

پدر دست بگرفت و بنواختشان

بر اندازه بر پایه‌ها ساختشان

جدول ۳. پیشباز رفتن

احترام		طرح‌واره کاربردی	
استقبال کردن		رویداد گفتاری	
روابط خانوادگی	تک‌کنش	تک‌مفهوم	شماره
پدر / فرزند	بیامد به دروازه پیش چنان‌چون سزا بد بدآیین خویش	به‌صورت رسمی پیشباز رفتن	۱
پدر / فرزند	دست بگرفت	دست گرفتن*	۲
پدر / فرزند	بنواختشان	نوازش کردن	۳
پدر / فرزند	بر اندازه بر پایه‌ها ساختشان	ارج نهادن	۴

* دست گرفتن نیز می‌تواند نشانه احترام، شادی، حمایت و همراهی، وفاداری و حتی قدرت‌نمایی باشد (قاسم‌زاده و همکاران، ۱۳۹۷).

نامه‌نگاری کردن

نامه به عنوان ابزار ایجاد ارتباط از دیرباز مورد استفاده بوده است. شاهنامه دربردارنده نامه‌هایی فراوان است که نشان‌دهنده سبک و شیوه نامه‌نگاری ایرانیان باستان است که بر اساس سطح ارتباطی می‌توان آنها را در سه گروه نامه‌های بالادست به زیردست، نامه‌های زیردست به بالادست و نامه‌های همپایان به هم قرار داد. در ادامه، موارد مفهوم‌سازی احترام در نامه‌های بین والدین و فرزند که زیرمجموعه دو گروه اول هستند، مشخص شده است:

۱. درود فرستادن

۲. ستایش کردن

۳. سجده کردن

۴. نامه را بر سر گذاشتن

۵. دعا کردن

۶. اعلام فرمانبرداری

۱۱) از او باد بر سام نیرم درود

خداوند کوپال و شمشیر و خود

۱۲) ستودن گرفت آنگهی زال را

خداوند شمشیر و کوپال را

۱۳) چنان آفرین باد بر شهریار!

همه نیکوی باد فرجام کار!

جدول ۵. نامه‌نگاری

احترام		طرح‌واره کاربردی	
نامه‌نگاری / دریافت نامه		رویداد گفتاری	
روابط خانوادگی	تک‌کنش	تک‌مفهوم	شماره
فرزند / پدر	باد درود	درود فرستادن	۱
پدر / فرزند	ستودن گرفت	ستایش کردن	۲
فرزند / پدر	آفرین باد		

جنگیدن

جنگ رکن اصلی هر اثر حماسی است که به دلایل متفاوت، طبق آیین خاص خود روی می‌دهد. یکی از موضوع‌های قابل

۱. درود فرستادن

۲. احوال‌پرسی کردن

۹) چون آیی به کاخ فریدون فرود

نخستین ز هر دو پسر ده درود

۱۰) فرود آمد از تخت و کردش نثار

بپرسید از شهر و از شهریار

۱۵) چو گشتاسپ می خورد، بر پای خاست
چنین گفت که ای شاه با داد و راست،
به شاهی نشست تو فرخنده باد
همان جاودان نام تو زنده باد

بررسی در شرایط جنگ، دیدار و گفت‌وگوی پدر و فرزند قبل یا بعد از جنگ است که اگرچه نمایانگر موارد احساسی، تشویق، نگرانی یا تبریک است، دربردارنده نمونه‌های مفهوم‌سازی احترام نیز هست که به صورت زیر به کار رفته‌اند:

جدول ۷. مهمان‌داری

احترام		طرح‌واره کاربردی	رویداد گفتاری
مهمان‌داری		تک‌مفهوم	شماره
روابط خانوادگی	تک‌کنش	بلند شدن هنگام صحبت	۱
فرزند / پدر	بر پای خاست	خطاب محترمانه	۲
فرزند / پدر	ای شاه با داد و راست	دعا کردن	۳
فرزند / پدر	نشست تو فرخنده باد جاودان نام تو زنده باد		

۱. در آغوش گرفتن
۲. ستودن
۳. امتناع از جنگیدن
۴. شرمگین بودن
۵. اعلام فرمانبرداری / بندگی
۶. به یاد کسی شمشیر کشیدن
۷. دعا کردن
۸. ازجان گذشتگی

۱۴) به بر در گرفتیش برافراخت یال
 فراوان بر او آفرین خواند زال

دیدار فرزند و والدین

دیدار فرزند با پدر یا مادر از دیگر موقعیت‌هایی است که دربردارنده مفهوم‌سازی احترام است و با توجه به موقعیت اجتماعی دو طرف به صورت‌های متفاوت مشخص شده است. روابط میان پدر و پسر نیز از موارد مهمی است که در شاهنامه به وفور بدان پرداخته شده است؛ این روابط با مهرورزی و احترام و گاهی با بی‌مهری همراه است:

۱. پیاده رفتن
۲. زمین بوسیدن
۳. دست گرفتن
۴. نوازش کردن
۵. جایگاه مناسب دادن
۶. ستایش کردن
۷. پیاده شدن از اسب
۸. سجده کردن
۹. در آغوش گرفتن
۱۰. اعلام فرمانبرداری
۱۱. بوسیدن تخت شاهی
۱۲. سر به پایین بودن
۱۳. دعا کردن
۱۴. احوالپرسی کردن

جدول ۶ جنگ

احترام		طرح‌واره کاربردی	رویداد گفتاری
جنگ		تک‌مفهوم	شماره
روابط خانوادگی	تک‌کنش	در آغوش گرفتن	۱
پدر / فرزند	به بر در گرفتیش	ستودن	۲
پدر / فرزند	آفرین خواند		

مهمان‌داری کردن

مهمان‌داری از آداب اجتماعی فرهنگ‌هاست که در جوامع متفاوت با توجه به زمان و مکان، آیین خاص خود را دارد. شاهنامه نیز شامل نمونه‌های بسیاری است که در موقعیت‌های گوناگون به مراسم مهمان‌داری و آیین ویژه آن پرداخته است. در اینجا تنها به ذکر شواهدی از مفهوم‌سازی احترام بین فرزند و والدین در چنین مراسمی که به دلایل مختلف برپا شده اشاره می‌شود:

۱. بلند شدن هنگام صحبت
۲. خطاب محترمانه
۳. دعا کردن
۴. اعلام فرمانبرداری
۵. ستایش کردن

۱۵. ایستاده بودن

۱۶. بوسیدن

۱۹. فرود آمد از اسپ کاوس شاه

پیاده سپهبد، پیاده سپاه

جدول ۹. پوزش خواستن

احترام		طرح‌واره کاربردی	
پوزش خواستن		رویداد گفتاری	
روابط خانوادگی	تک‌کنش	تک‌مفهوم	شماره
پدر / فرزند	فرود آمد از اسپ	پایین آمدن از اسب	۱
پدر / فرزند	پیاده	پیاده بودن	۲

میگساری کردن

باده‌نوشی بخشی از فرهنگ و ادب پارسی کهن بوده است که در بزم‌های گوناگون چون پذیرایی و استقبال از بزرگان، گشودن گره از اندوه دل، پیروزی در جنگ، آراستن سپاه در مجالس جشن و زناشویی، آشنایی با شخصیت‌های والا مقام و ... رسمی معمول بود و با توجه به مناسبت آن بزم با آداب و شرایط خاصی همراه بوده است؛ مانند باده‌نوشی همراه با آراستن شهر و سفره، استفاده کردن از جام‌های زرین، دادن اولین جام به شاهان، باده‌نوشی همراه با موسیقی و رامشگری (سیدنظامی و شریفی، ۱۳۹۴). همچنین به یاد کردن از بزرگان یا عزیزان قبل از نوشیدن می یا برخاستن و یاد کردن در حالت ایستاده نیز که امری عادی است می‌توان اشاره کرد. *شاهنامه* در بردارنده مواردی از مراسم باده‌نوشی است که در ادامه به مفهوم‌سازی احترام بین فرزند و پدر قبل از می خوردن اشاره می‌شود:

۱. (بلند شدن و) به یاد کسی نوشیدن

۲۰. چو گشتاسپ بشنید رامش گزید

بداواز او جام می درکشید

۲۱. یکی جام زرین به کف بر گرفت

ز گشتاسپ آنگه سخن درگرفت

۲۲. می و رود بر خوان و میخواره خواست

به یاد جهاندار بر پای خاست

۲۳. پسر خورد با شرم یاد پدر

پدر همچنان نیز یاد پسر

۱۶. چو دیدند پرمایگان روی شاه

پیاده دوان برگرفتند راه

برفتند و بر خاک دادند بوس

فرو مانده بر جای پیلان کوس

۱۷. تهمت‌ن پیاده همی‌رفت پیش

دریده به بر بیر و دل کرده ریش

۱۸. چو روی پدر دید دستان سام

پیاده شد از اسپ و بگذار گام

جدول ۸. دیدار فرزند و والدین

احترام		طرح‌واره کاربردی	
دیدار فرزند و والدین		رویداد گفتاری	
روابط خانوادگی	تک‌کنش	تک‌مفهوم	شماره
فرزندان / پدر	پیاده دوان برگرفتند راه	پیاده رفتن	۱
فرزند / پدر	بگذار گام		
فرزند / پدر	پیاده همی‌رفت		
فرزندان / پدر	بر خاک دادند بوس	زمین بوسیدن	۲
فرزند / پدر	زمین را بوسید		
فرزند / پدر	بوسید خاک		
فرزند / پدر	بمالید رخ را به خاک		
فرزند / پدر	بمالید بر خاک روی		
فرزند / پدر	زمین بوس داد		

پوزش خواستن

عذرخواهی به عنوان دیگر نشانه ادب و احترام در *شاهنامه* به صورت‌های متفاوت کلامی و غیر کلامی مانند برداشتن کلاه و دستار، دست بر سر نهادن و صورت را بر خاک نهادن نشان داده شده است (شمیسا، ۱۳۹۷):

۱. پایین آمدن از اسب

۲. پیاده بودن

۳. در آغوش گرفتن

۴. بیان عذرخواهی

۵. رفتن به نزد کسی

جدول ۱۰. میگساری

طرح‌واره کاربرد	احترام		
رویداد گفتاری	میگساری		
شماره	تک‌مفهوم	تک‌کنش	روابط خانوادگی
۱	به یاد کسی می‌نوشیدن	بدآواز او جام می‌درکشید	پدر / فرزند
		ز گشتاسپ آنکه سخن درگرفت	فرزند / پدر
		پسر خورد با شرم یاد پدر	فرزند / پدر
۲	بلند شدن و می‌نوشیدن به یاد کسی	پدر همچنان نیز یاد پسر	پدر / فرزند
		به یاد جهاندار بر پای خاست	فرزند / پدر

بحث و نتیجه‌گیری

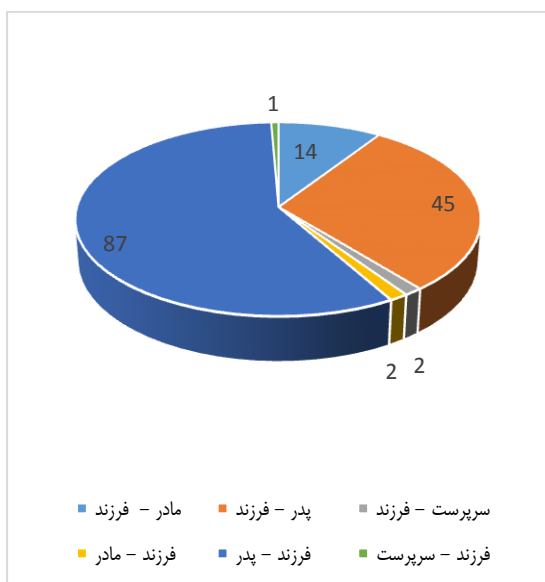
با توجه به بررسی توصیفی - تحلیلی و استفاده از ابزار تحلیلی طرح‌واره کاربردشناسی فرهنگی در تمامی ابیات شاهنامه فردوسی، مفهوم‌سازی احترام میان والدین و فرزندان در ۱۵۱ بیت مشاهده شده است. ۶۱ مورد احترام از طرف والدین به فرزندان است که ۱۴ مورد از طرف مادر، یک مورد به دختر و ۱۳ مورد به پسر مشاهده می‌شود. ۲ مورد از طرف سرپرست کودک به پسر و بقیه از طرف پدر به فرزند است که ۳ مورد به دختر و ۴۲ مورد به پسر است. ۹۰ مورد به احترام از طرف فرزندان به والدین اشاره می‌کند که ۲ مورد دختر به پدر، ۲ مورد پسر به مادر و یک مورد پسر به سرپرست خود و بقیه از طرف پسر به پدر است. نمودار ۱ تعداد موارد احترام متقابل میان والدین و فرزندان را نشان می‌دهد. گفتنی است به صورت کلی ۶ مورد احترام میان والدین و دختر است که یک مورد از طرف مادر به دختر، ۲ مورد دختر به پدر و ۳ مورد پدر به دختر است. همچنین دو بیت در هر دو مشترک است. پژوهش نشان می‌دهد اگرچه بعضی از مفهوم‌سازی‌های احترام والدین - فرزندان و فرزندان - والدین یکسان است، بسامد تکرار آنها متفاوت است. همچنین مواردی وجود دارد که تنها از طرف والدین یا فرزندان به کار رفته‌اند.

«آفرین کردن، پیاده رفتن، درود دادن، فرود آمدن از اسپ، پذیره شدن، نماز بردن، ستایش گرفتن، پرسیدن،

پرستنده بودن، یاد کردن در هنگام خوردن می، فرود آمدن از تخت، تبریک گفتن نشست شاهی، در بر گرفتن و فرمانبردار بودن» نمونه‌های مشترکی هستند که از هر دو سمت نشان داده شده است. مفهوم‌سازی‌های «بیامد به دروازه پیش، دست بگرفت، بناختشان، بر اندازه بر پایه‌ها ساختشان، به تخت گرنامیگی برنشانند، نثار آوریم، چشم و رویش ببوسید، پوزش اندر گرفت، فرستاد گنج، بستر رویش، بفرمود تا برنشست، ببخشید یکی تاج پرگهر، بدان گیتی‌اش جای ده در بهشت، سر بدسگالان تو کنده باد، که تا جای باشد تو بادی به جای، ز دینار گنجی فروریختند، می و سنگ و گوهر برآمیختند، بر او زر و گوهر همی‌ریختند، ز بر مشک و عنبر همی‌بیختند» از طرف والدین برای فرزندان به کار رفته است. مفهوم‌سازی‌های احترام از طرف فرزندان برای والدین عبارتند از: «بر خاک دادند بوس، پیاده شد از اسپ، زمین ببوسید، نهادند سر بر زمین، نباید که من با پدر جنگ‌جوی، همه آب شرمم به چهر آورد، بنده‌ام، به فرمان و رایش سرافکنده‌ام، سرافکنده، نیایش گرفت، بمالید رخ را به خاک، ببوسید تخت، نامه به سر بر نهاد، فرو برد سر، بر پای خاست، باستاد در پیش او بنده‌فش، دست‌کرده به کش، سخن درگرفت، پرستارفش، انوشه بدی، کهترم، بود به پای، به دیبا تش را بیاراستند، ایستاد، نیوشنده‌ام، شاه با داد و راست، خوانمت شهریار، جاودان نام تو زنده باد، همه نیک بادا سرانجام تو، تو را جاودان سبز بادت سر، مرا آن بود تاج و تخت و سپاه، که خشنود باشد جهاندارشاه، که بی تو میناد کس روزگار، فدی دارم تن و جان خویش، ازو جاودان کام گشتاسپ باد، جهان‌آفرین از تو خشنود باد، دل بدسگالانت پردود باد، که جاوید بادا روانش روان، چهل روز نهاد بر سر کلاه، پیش تخت ایستاد و پیشکار.»

به گفته کمری بیدپه (۱۳۹۰)، اگرچه شاهنامه اثری حماسی است، مفهوم‌سازی احترام به صورت دعا و نیایش جایگاهی ویژه در آن دارد و در میان تمام شخصیت‌های داستان، ایرانی و غیر ایرانی، ارزش محسوب می‌شود و در شرایط گوناگون برای هدف‌های متفاوت نشان داده شده است. در اینجا نیز دعا کردن برای طرف مقابل به عنوان نشانه‌ای از احترام در هر دو گروه مشترک است اما چون عبارت‌های زبانی به‌کاررفته متفاوتند، به صورت جداگانه نوشته شده‌اند. همچنین «فرود آمدن از تخت» از طرف پدر عزادار و «تاج شاهی بر سر گذاشتن» از طرف پسر عزادار است. مفهوم‌سازی «نماز بردن» در مورد والدین - فرزندان در

تمامی این موارد واژه دست به گونه‌ای دخیل است. بنابراین این دو اندام بدن در مفهوم‌سازی احترام نقش دارند. بنابراین با توجه به این پژوهش می‌توان گفت که مفهوم‌سازی احترام میان والدین - فرزندان و فرزندان - والدین در داستان‌های شاهنامه فردوسی متفاوت است. در مفهوم‌سازی احترام «تواضع» از سوی فرزندان و «حمایت» از سوی والدین بیش از هر چیز خودنمایی می‌کند و کنش غیرکلامی سهم بیشتری در این نوع مفهوم‌سازی‌ها دارد. مفهوم‌سازی‌هایی چون «سر بر زمین نهادن، بندهام، بمالید رخ را به خاک، ببوسید تخت و سرافکنده» در بردارنده حالت تواضع و فروتنی فرزندان است و مفهوم‌سازی‌هایی مانند «به تخت نشاندن، در آغوش گرفتن، فرستاد گنج و بوسیدن» از طرف والدین از حمایت آنها از فرزندان نشان دارد. این اثر نشان می‌دهد که احترام از دیرباز در فرهنگ کهن ایران ارزشمند بوده و رعایت می‌شده است. پژوهش در نظام خویشاوندی در ایران باستان می‌تواند روایتگر روشنی از فرهنگ غنی ایرانیان باشد. از این رو پیشنهاد می‌شود مفهوم‌سازی احترام در دیگر روابط خانوادگی، اجتماعی یا سیاسی در شاهنامه فردوسی بررسی شود تا با تأکید بر آداب و منش پسندیده شاهد تغییرات مثبت در کردارهای اجتماعی باشیم.



نمودار ۱

سه مورد دیده شد: یک مورد مربوط به شاه همای که فرزند خود را در کودکی به آب سپرده و سپس پیدا می‌کند و دو مورد دیگر از طرف همسر شاه کاوس برای فرزند شاه (سیاوش) که در حقیقت به سبب عشقی است که سوداوه به سیاوش دارد و نه مهر مادری. «پرستنده ماییم»، «نشست کیی بر تو فرخنده باد» و «دل بدسگالان تو کنده باد» نیز از طرف سرپرستان به فرزندخوانده مطرح شده است. یک مورد «بر پای جست» از طرف پدر در برابر فرزند دیده شد که مربوط می‌شود به بازگشت اسپندیار (فرزند) پس از جنگ با ترکان که گشتاسپ (پدر) در برابر وی ایستاده، او را می‌بوسد و نوازش می‌کند.

این تنوع مفهوم‌سازی‌ها می‌تواند نتیجه تفاوت موقعیت اجتماعی و سنی افراد باشد، به گونه‌ای که مواردی چون «در آغوش گرفتن، بوسیدن، نواختن و بستردن» در بردارنده مهر و محبت پدر یا مادر به فرزند است و نمونه‌هایی چون «به تخت نشاندن، بفرمود تا برنشست» از موقعیت اجتماعی بالاتر نشان دارد. در مورد احترام فرزندان - والدین نیز می‌توان به مواردی چون «بوسیدن تخت، اعلام بندگی کردن، ایستادن، دست‌به‌سینه بودن، سر به پایین بودن، سجده کردن و بوسیدن زمین» اشاره کرد که نشان‌دهنده پایین‌تر بودن سن و موقعیت اجتماعی فرزند است.

نمونه‌های «پیاده شد، فرود آمد از اسپ، پیاده همی رفت، پیاده برگرفتند راه، بگذاراد گام، بر خاک دادند بوس، زمین ببوسید، ببوسید خاک، زمین بوس داد، نهادند سر بر زمین، بمالید رخ را به خاک و بمالید بر خاک روی» همه به نوعی با واژه «خاک» مرتبطند، حتی اگر در بعضی موارد به کار نرفته باشد. از این رو می‌توان گفت خاک در بردارنده «فرامفهوم احترام» است. داده‌هایی چون «به فرمان و رایش سر افکنده‌ام، فرو برد سر و سرافکنده» در بردارنده مفهوم سر به پایین بودن هستند که با کاربرد عضوی از بدن، یعنی سر، نشان از احترام دارند که از سمت موقعیت پایین‌تر ابراز شده است. همچنین در موارد «دست بگیرفت، دستش گرفته به دست، بناختش، بسترد رویش به دست، داشت اندر برش، به بر در گرفت، گرفتش سر اندر کنار، گرفتش به بر و تنگ در بر گرفت» مفهوم‌سازی احترام با ابراز علاقه همراه است و در

منابع

خالقی مطلق، جلال (۱۳۹۳). شاهنامه فردوسی. تهران: نشر سخن.

افخمی، علی (۱۳۸۷). رابطه زبان و فرهنگ. نامه فرهنگ، شماره ۳۴، ۶۰-۶۶.

شمیسا، سیروس (۱۳۹۷). *شاهنامه‌ها*. تهران: هرمس.
قاسم‌زاده، علی، فصیح صفاری، محمد و علی‌نقی، حسین (۱۳۹۷). تحلیل مفاهیم و کاربرد ارتباطات غیر کلامی در شاهنامه. *دوفصلنامه زبان و ادبیات فارسی*. سال ۲۶، شماره ۸۴، ۱۸۴-۱۵۷.
کمری بیدپه، نسرین (۱۳۹۰). بررسی دعا و نیایش در شاهنامه فردوسی و تطبیق آن با دعا‌های قرآنی و ادعیه مذکوره از ائمه اطهار (ع). پایان‌نامه کارشناسی ارشد. محمدی، علی محمد (۱۳۸۹). تعامل فرهنگ، زبان و ترجمه- رویکرد انسان‌شناختی: کاربردهای آموزشی و پژوهشی در مطالعات بین‌فرهنگی و بین‌زبانی، فصلنامه مطالعات زبان و ترجمه، دانشکده ادبیات و علوم انسانی. شماره سوم، ۸۱-۱۰۵.

Capone, A. (2010). On pragmatics again: Dealing with death. *La linguistique*, 46(2), 3-21.
Crystal, D. (1991). *A dictionary of linguistics and Phonetics* (3rd Ed.). Blackwell publishers.
Kecskes, I. (2010). Situation-bound utterances as pragmatic acts. *Jurnal of pragmatics*, 42 (11), 2889-2897.
Lucy, J. A. (2004) Language, culture, and mind in comparative perspective. In M. Achard & S. Kemmer (eds), *Language, culture and mind* (pp. 1-22), Standford: CSLI Publication.
Mey, J. L. (2010). Reference and the pragmeme. *Jurnal of pragmatics*, 42(11), 2882-2888.
Sabzevari, A., & Shafiee, S. (2013). *Cultural conceptualisations in Persian language: Implications for L2 learning*. *International Journal of Foreign Language Teaching and Research*, 2(4), 57-62.

خیرآبادی، معصومه، آقاگل‌زاده، فردوس، گلفام، ارسلان و کردزعفران‌لو، عالیه (۱۳۹۹). مفهوم‌سازی فرهنگی در داستان‌های کودکان به زبان فارسی: رویکرد شناختی. *فصلنامه علمی زبان پژوهی دانشگاه الزهراء (س)*. سال دوازدهم، شماره ۳۷، زمستان، ۲۹۷-۳۱۷.
سیدصادقی، سید محمود و موسوی، سید عمادالدین (۱۳۹۱). آداب و آیین‌ها در شاهنامه فردوسی. مجموعه مقالات ششمین همایش پژوهش‌های ادبی با همکاری دانشگاه شهید بهشتی. دوره ۶.
سیدنظامی، مهناز و شریفی، شهین (۱۳۹۴). آداب ضیافت و مهمان‌نوازی در شاهنامه فردوسی. مجموعه مقالات دهمین همایش بین‌المللی ترویج زبان و ادب فارسی، دانشگاه محقق اردبیلی. ۸۶۷-۸۸۲.

Sharifian, F. (2011). *Cultural conceptualizations and language: Theoretical Framework and Applications*. Amsterdam/Philadelphia: John Benjamins.
Sharifian, F. (2015). *Cultural linguistics and world Englishes*. *World Englishes*, 34(4), 515-532.
Sharifian, F. (2017a). *Cultural linguistics*. *Ethnolinguistic*, 28, 33-61.
Sharifian, F. (2017b). *Cultural linguistics: Cultural conceptualisations and language*. Amsterdam/Philadelphia: John Benjamins.
Shavles, J. (2019). *Language, culture and the embodied mind: A developmental model linguaculture learning*. Springer Nature Singapore, 9.
www. Daytranslations. Com; *The relationship between language and culture defined*, 2018.
www.rasekhoon.net (۱۳۹۲) آخرین در شاهنامه،